

بابا رکن الدین و قبر او

در قبرستان تخت فولاد اصفهان واقع بر ساحل راست زاینده رود و مجاور جاده شیراز قبری است از يك تن از عرفای قرن هشتم هجری که ظاهراً قدیم ترین قبرهای تاریخ دار این قبرستان بسیار بزرگ است و آن متعلق است ببابا رکن الدین مسمودین عبدالله بیضاوی که در تاریخ یکشنبه ۲۶ ربیع الأول از سال ۷۶۹ فوت کرده و در این مکان مدفون شده است.

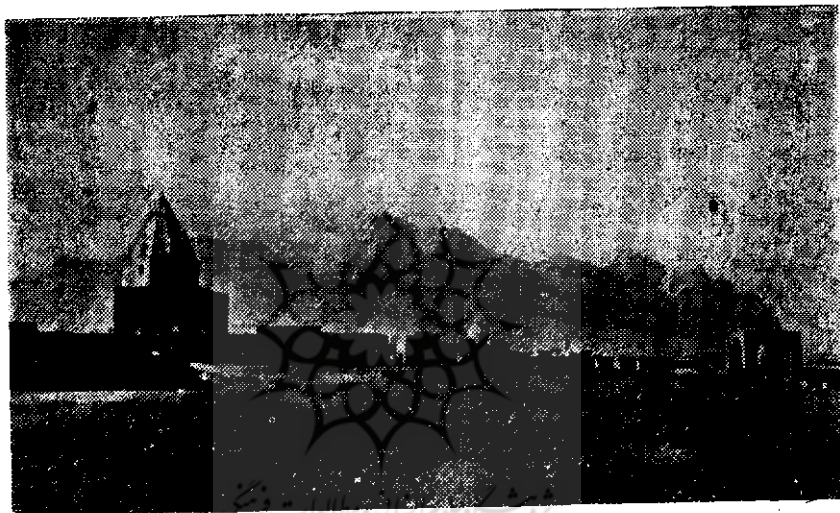
امروز در قبرستان تخت فولاد قبر عده عظیمی از مشاهیر علما و فقها و شعرا و خوشنویسانی است که از عهد صفویه بعد در اصفهان فوت کرده و در دورا در قبر بابا رکن الدین بفواصل نزدیک یا دور از آن بخاک سپرده شده اند لیکن چنانکه گفتیم هیچیک از قبرهای تاریخ دار موجود در این گورستان از قبر بابا رکن الدین قدیم تر نیست و ظاهراً بهمین علت هم بوده است که تا اواخر عهد صفویه این مکان را قبرستان بابا رکن الدین میخوانده اند حتی پل معروفی هم که راه اصفهان بانجا از آن طریق است پهل بابا رکن الدین مشهور بوده و شاردن مسافر مشهور فرانسوی باین نکته تصریح میکند. این ساختمان زیبا که از جهت هندسه بنا و مشرف بودن بر سایر گنبدهای تخت فولاد امتیازی خاص دارد و بشکل گنبدیست دوازده ترک بامر شاه عباس کبیر شروع شده و در سال ۱۰۳۹ بانجام رسیده است و در ابتدای داخل و خارج آن کاشی کاربهای مینائی عالی داشته لیکن حالیه قسمت عمده آن محو شده فقط کتیبه عالی سردر و قسمتی از کاشیهای خارج گنبد باقیست.

عین کتیبه سردر بنا این است:

«بتأییدالواحدالباقی قد ارتفع عمارة هذه البقعة الملكوتية بأمر دولة كلب علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه عباس الحسینی بهادر خان خلدالله تعالی ملكه و سلطانه

الی یوم القیامة تمت بأمره و اهتمامه بحسن الأقیاد والأمر لله تعالی ١٠٣٩ کتبه الفقیر محمد صالح الاصفهانی المولوی .

در داخل گنبد پنج ایوان بزرگ است که برگردا کرد صحن مرکزی ساخته شده . قبر بابا رکن الدین در یکی از این ایوانهاست و بر روی آن سکوی بزرگ است . در یکی دیگر از ایوانها نیز دو قبر است که صاحبان آنها هنوز معلوم نشده اند لیکن در سایر ایوانها چیزی نیست .



منظره قبر بابا رکن الدین در تخت فولاد

در روی يك قطعه سنگ مرمر که در پائین قبر بابا رکن الدین نهاده است بخص رفاع زیبا کتیبه قبر او چنین حجاری شده :

« الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون ، هذا قبر حجة الاولیاء والعارفین قطب الاوتاد والوالهین برهان الأتقیاء والصالحین قدوة العماق والذاکرین کف الموحدین المحققین السالك مسالك ائمة المعصومین والعارف بالحقائق الربانية الواقف بالدقائق الملکوتية الطائر بفضاء اللاهوتية مهبط الأنوار ومخزن الأسرار و نفحة العطار ومقام الشطار ومحل الاستغفار رکن الشریعة والطریفة والحقیقة والعرفان بابا رکن الدین

مسمودین عبدالله بیضاوی و قد توفی يوم الأحد من يوم السادس والعشرين من شهر ربيع الأول سنة تسع و ستين و سبعائة .

اما از شرح حال این بابا رکن الدین مسمودین عبدالله بیضاوی که در ۷۶۹ فوت کرده و بعلت اهمیت مقام در تصوف و عرفان چنانکه کتیبه قبر او شاهد آنست شاه عباس بزرگ را بساختن چنین مقام و گنبدی زیبا برای قبر او و داشته بدبختانه چندان اطلاع کاملی در دست نیست و بهمین علت هم بوده است که در عهد صفویه در باب مذهب و مشرب او بین فضالای عهد اختلاف شده و شیخ بهائی و دیگران بجلالت قدر او ادعان کرده و او را شیعه قلمداد نموده اند.

شرح حال بابا رکن الدین را با اینکه مسلماً از بزرگان صوفیه بوده ما در هیچیک از کتب تراجم احوال صوفیه و تذکره های علما و رجال نیافتیم تنها عبدالله افندی مؤلف کتاب نفیس ریاض العلماء در خاتمه این کتاب اجمالاً باحوال او اشاره میکند لیکن عجب در این است که با وجود اصفهانی بودن و در اصفهان اقامت داشتن عبدالله افندی مثل اینکه هیچوقت بدیدن قبر او نرفته و سنگ قبر او را ندیده بوده نام او و تاریخ فوتش را نقل نمیکند. این است ترجمه شرحی که مؤلف ریاض العلماء در باب بابا رکن الدین نوشته :

«بابا رکن الدین همان شیخ صوفی شیرازی معروفی است که در اصفهان در مقبره ای که بنام او بمقبره بابا رکن الدین شهرت دارد مدفون است و ظاهراً او از اهل سنت بوده ؛ من در شهر لاهیجان شرحی از او دیدم بر کتاب فصوص الحکم محیی الدین ابن العربی که کتابی بزرگ بود و برینجاه هزار بیت بالغ میشد ؛ این شرح که شرحی است ممزوج بمتن فارسی نسخه آن بسیار کهنه بود بخط ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن العموی شیرازی بتاریخ ۷۴۶ و این کاتب یا معاصر مؤلف بوده یا قریب العهد با او . بابا رکن الدین چنانکه از مطالعه این شرح بوضوح می پیوندد شاگرد يك عده از عرفا بوده مانند شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی صاحب کتاب تأویل الآیات و شیخ داود قیصری شارح فصوص الحکم مزبور و شیخ نعمان خوارزمی . من در این شرح در بیان

مطالب اموری عجیب و مذهبی غریب دیدم تا آنجا که از آن بر من حیرت دست داد.»
 نام این شرح را حاجی خلیفه نیز در کشف‌الطنون آورده و اسم آن «نصوص الفصوص



گنبد قبر بابا رکن‌الدین

بوده است، این است آنچه حاجی خلیفه در خصوص این کتاب مینویسد:
 «از شروح فصوص‌الحکم یکی نیز شرح فارسی مینویشد است بنام نصوص الفصوص
 تألیف شیخ رکن‌الدین شیرازی و هر نکته‌ها که در شیخ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی

و شرح داود قیسری و شرح شیخ مؤیدالدین جندی و شرح شارح اول منطور بوده مولانا رکن الدین آن نکات را در این کتاب آورده و حل متن بطریق نزدیک که همه کس آنرا فهم تواند کرد کرده اوله حمد قرون آن خدای را ... ۱ و در محلی دیگر مؤلف کشف الظنون گوید که بابا رکن الدین این شرح را در شهر «سرای» تدوین کرده است. از این شرح فصوص الحکم بابا رکن الدین بیضاوی خبری بدست ما نیامد که آیا تا بحال باقی مانده یا از میان رفته است هیچ بعید نیست که نسخه آن در بعضی از کتابخانههای خصوصی موجود باشد.

شیخ آذری در کتاب جواهر الاسرار در شرح این رباعی :

اصلم ز قلندر است و فرغم ز عدم
وز تنگ مرا در نپذیرد عالم
دیده چو نظر کرد بصحرای قدم
جان در صف عشق بودیش از آدم

گوید: بدان اعزك الله في الدارين که شرح این رباعی را حبیب العارفين شیخ رکن الدین شیرازی غفران الله علیه رساله‌ای نوشته است و آنرا قلندریه نام کرده ...
از این رساله نیز اثری و اطلاعی بدست ما نیامد.

دانشمند ارجمند آقای حاج میرزا حسنخان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان و ری و همه جهان صفحه ۳۲۵-۳۲۶ در باب بابا رکن الدین چنین نوشته اند: «بابا رکن الدین انصاری و از نژاد جابریانی بود که بعد از کشته شدن عمیدالدین اسعد جابری انصاری ۲ وزیر اتابیک سعد در قلعه اشکنوان فارس باصفهان منتقل شدند و عرفائی که از نژاد جابر در بلاد پراکنده شدند بیشتر بیابا مشهور میشدند چنانچه در کراچ و بر آن و دیگر بلوکات اصفهان بقاع و قبور بابا های جابری هنوز هست و در مصر هم با عربی زبان بودن اهلس قبر یکی از اولاد جابرا شهر بمحل بابا جابر میخوانند.» متأسفانه آقای انصاری برای نسبت جابری و انصاری بودن بابا رکن الدین هیچگونه سندی حواله نداده اند. در اسنادی که ترجمه احوال این عارف معروف قرن هشتم بدست ماست در هیچیک اشاره‌ای بجابری و انصاری بودن بابا رکن الدین نیست.

دو تصویری که در این مقاله نقل شده اولی منقول از مجله آثار ایران است که بتوسط اداره کل باستان شناسی بزبان فرانسه منتشر میشد دیگری را دوست فاضل ما آقای محمد صدر هاشمی مرحمت کرده از اصفهان فرستاده اند.

۱. در متن پجایی کشف الظنون نام این شرح «فصوص النصوص» آمده و آن ظاهراً تحریف است.

۲. رجوع کنید بدیل ص ۱۲ همین شماره از مجله یادگار